

این ایده به طور جدی مطرح بود که به دلیل کار بسیار خوبی که در سند تحول دولت شده، همین را بیاورید مبنای بگذارید تا برنامه هفتم را بر اساس آن بنویسیم؛ یعنی برای اولین بار است یک دولت برنامه‌ای روشن را در همه حوزه‌ها ارائه داده است. این اگر روشنگری گفتمانی نیست، پس چه چیزی است؟ دولت مردمی دولت بازگشت حاکمیت به مردم است؛ به این معنی که آن قدر به مردم اعتماد داریم که می‌توانند بیایند در حوزه فرهنگ، حوزه اقتصاد و حوزه سیاست وظایف تصدی‌گری حکمرانی را به عهده بگیرند. وظیفه دولت، هدایت و نظارت و تسهیل‌گری است و این صورت‌بندی بسیار روشنی دارد. حرکت دولت نیز به همین سمت و سو است. از جمله سیاست‌های راهبردی دولت در حوزه سیاست خارجی، سیاست همسایگی و منطقه‌گرایی است. در همین شش ماه میزان صادرات ما به کشورهای همسایه بیش از دو برابر شده است. دولت همان روزهای نخست گفت که اقتصاد مردم را به برجام گره نمی‌زند. الان برجام از دغدغه‌های اصلی جامعه کنار رفته است؛ نه به این معنا که به آن بی‌اعتنایی شود، بلکه این‌گونه که دولت کار خود را بدون اتکای اساسی و وابستگی به این طرح پیش می‌برد. دولت صادق‌الوعد است و تمام وعده‌هایش هم روشن و شفاف است. ما به لحاظ شبکه رسانه‌ای، که امروز عمدتاً در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی تعریف می‌شود، دست پایین داریم؛ اگر دولت در وعده‌ها و اقداماتش از گفتمان خود عدول کرده بود تا امروز این مسئله را به نقطه ضعفی مشهور تبدیل می‌کردند. من اساساً این اتهامی را که می‌گویند دولت گفتمان ندارد قبول ندارم؛ به دلیل همسانی فکری و گفتمانی دولت با ادبیات رسمی نظام و رهبری این گسل وجود ندارد. آن‌ها از عدم گسل به عدم گفتمان می‌رسند؛ این پاسخ من به آن پرسش شماست که گفتید چه تفسیری از بساخت تصویر «دولت بی‌گفتمان» دارید.

چنان‌که گفتید گفتمان مفصل‌بندی اجتماعی است. گفتمان آن فضایی است که دولت در آن تصمیم می‌گیرد. به تعبیر کارل اشمیت، سیاست یعنی تصمیم. اما تصمیم سیاسی که در خلأ شکل نمی‌گیرد، در یک زمینه و زمانه‌ای گرفته می‌شود و در یک موقعیتی صورت می‌گیرد. گفتمان، اقتضای تصمیم است و اگر تصمیم بخواهد در یک موقعیت کارآمد باشد، نیازمند خودآگاهی به این اقتضانات است.

یا اینکه به صورت شعار دربیاید یا در قالب روزنامه و سند نشر یابد.

بله؛ گفتمان به معنای دیسکورس را با گفتار به معنای رتوریک نباید خلط کرد؛ اما گفتمان به صورت‌بندی نظری نیاز دارد و لحظه‌ای که گفتمان صورت‌بندی می‌شود و دولت خودآگاهی گفتمانی پیدا می‌کند این دال‌های گفتمانی، مدلول‌ها و تصمیمات سیاستی خواهد داشت. دولت سیزدهم نیز دال گفتمانی‌اش را با تعابیری مانند دولت عدالت و جمهوریت یا دولت عدالت‌محور و مردم‌پایه یا دولت عدالت‌محور مردمی بیان کرده است. به چه دلیل دولت در وضعیت فعلی کشور دال‌های مرکزی گفتمان‌ش را «عدالت و جمهوریت» صورت‌بندی کرده است؟

به نظرم دال عدالت در گفتمان دولت، ابهام کمتری دارد و باید بیشتر دال جمهوریت، به تعبیری مردمی بودن، را به گفت‌وگو بگذاریم. اگر به سال ۱۴۰۰ برگردیم، شعاری که انتخاب کردیم «دولت مردمی، ایران قوی» بود. یکی از خدمات نواندیشی دینی این بود که دوگانه ایرانیت - اسلامیت و دوگانه تجدد - سنت را به یک